

دانشگاه تهران

دانشکده ی علوم اجتماعی

تفاوت شکل‌گیری هویت‌های زنانه در ارتباط با بافت جدید و قدیم شهر کرمان

(شهرک باهنر و محله مشتاقیه)

تحقیق کلاس انسان‌شناسی شهری ایران در کارشناسی ارشد

استاد:

دکتر ناصر فکوهی

نگارش

فاطمه خضری

Email: [fatemekhezri@gmail.com](mailto:fatemekhezri@gmail.com)

## فهرست مطالب

### ۱- فصل اول کلیات

۱-۱ مقدمه

۲-۱ طرح مساله

۳-۱ اهداف

### ۲- فصل دوم

۱-۲ چهارچوب نظری

۲-۲ نظریه شهر

۳-۲ نظریه هویت و جنسیت

۴-۲ شهر و زنان

### ۳- فصل سوم

۱-۳ روش‌شناسی تحقیق

۴-جامعه مورد مطالعه

مقدمه

۴-۱ مروری به معماری و فضاهای شهری کرمان

۴-۲ رشد کالبدی شهر کرمان

۴-۲-۱ - عواملی طبیعی و جغرافیایی

۴-۲-۲ - راه‌ها و محورهای ارتباطی

۴-۲-۳ عوامل اقتصادی

۴-۲-۴ بافت کهن

۴-۲-۵ - بافت پیوسته توسعه اخیر

۴-۲-۱ بافت‌های ایجاد شده در اثر طرح‌های آماده سازی

۴-۳ تغییرات معیشتی و جمعیتی در راستای تغییرات فضاهای شهری

۴-۳-۱ تحولات جمعیتی

۴-۳-۲ تحولات اقتصادی

۴-۴ جدایی فضاهای مسکونی از عمومی

۴-۵ شهرک باهنر و محله مشتاقیه

- فصل پنجم

یافته‌های تحقیق

## ۱-۵ جامعه آماری

۲-۵ شهر فقط روزها به زن‌ها تعلق دارد

## نتیجه‌گیری

## چکیده:

همراه وارد شدن جوامع به شکلی از ارتباطات جهانی از خلال فرایند شهرسازی زنان نیز وارد فضاها و مکان‌های بیرونی شهر شده‌اند. با وارد شدن زنان به فضاهای بیرونی شهر، نوع ارتباط زنان با فضای خانه هم تغییر می‌کند. امروزه جامعه‌ی ایران هم با وارد شدن به شکلی از ارتباطات جهانی برای حفظ استقلال، تمایز و دوام خود باید بتواند به فرایند معناسازی و پروسه‌ی هویت‌سازی رفتارها و نگرش‌های خود برسد. از همین روی بررسی فضاهای شهری هم بیش از گذشته مورد توجه محققین قرار گرفته است. شهر دارای ابعاد مختلف فیزیکی، فرهنگی - اجتماعی است و شهروندان علاوه بر زندگی زیستی از زندگی اجتماعی و فرهنگی هم برخوردارند و در این بین هویت اجتماعی افراد هم شکل می‌گیرد. در این تحقیق به فضاهای مسکونی و بیرونی شهر کرمان توجه شده است. به دلیل گسترده‌گی کرمان خانه‌ها چه در گذشته و چه امروز بیشتر ویلایی هستند اما این روزها ما شاهد آپارتمان‌نشینی در شهرک‌های جدید نیز هستیم. شهرک‌های جدید مثل باهنر از بافت قدیمی و مرکز شهر جدا هستند. تغییر فضاهای مسکونی در شکل‌گیری هویت‌های متفاوت زنان تاثیر گذار است. هر چقدر فضاهای مسکونی کوچکتر باشند زنان بیشتر در مدیریت آن نقش خواهند داشت و در نتیجه هویتی

متفاوت از زنانی خواهند داشت که در فضاهای مسکونی قدیمی و بزرگتر زندگی می‌کنند و دارای هویت‌های جمعی بیشتری هستند. اگر معماری خانه‌های و فضاهای شهری جدید بر مبنای معماری قدیم بود زنان هرگز برای وارد شدن به فضاهای بیرونی شهر احساس ناامنی نمی‌کردند. این در حالی است که گفته می‌شود این مدرنیته و توسعه شهرها باعث ورود زنان به فضاهای شهری شده است. اما نگراننده باور دارد اجبار اقتصاد بازار زنان را وارد شهر کرده است اما کالبد و فضاهای شهری حس ناامنی را در زنان ایجاد می‌کند که این خود مانعی برای ورود زنان به شهر است.

واژه‌های کلیدی: هویت جنسیتی، هویت اجتماعی، فضا-مکان شهری، محله

# فصل اول

## کلیات

### مقدمه

شهر مقوله ای پیچیده و چند گانه است. «شهر نوعی سازمان یافتگی اجتماعی در فضا است که باید آن را تولید کننده دایم فرهنگ و بهترین بستر برای فرهنگ سازی به حساب آورد.» ( فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۸۶). شهروندان یک شهر زندگی اجتماعی و فرهنگی دارند. اجتماعی از این نظر که به شیوه های گوناگون و پیچیده با دیگران و با جامعه پیوند دارند و فرهنگی از این لحاظ که آنچه می شوند نتیجه غریزه نبوده بلکه نتیجه عقاید ارزش ها و قواعدی است که در جامعه وجود دارد. مهم ترین مقوله ایی که در ارتباط با شهر و فضاهای شهری مورد بررسی قرار می گیرد هویت است. در نظر هاسر (Husser) هم شهر پدیده ای فرهنگی، روانشناختی، اجتماعی و زیستی است. هویت در جامعه ی به شدت متغیر امروز یک مساله اساسی است. امروزه از خلال ارتباطات از راه دور و رسانه های چندگانه به جهان فرصت شکل گیری یک دهکده جهانی ارتباطی داده شده است. در همین

حین دیگر همانند سابق نیست که زنان در برابر این ارتباطات جهان منفعل باشند. آن‌ها در حال وارد شدن به شکلی از ارتباطات اجتماعی هستند که پهنه زمین را درنوردیده است. در یک سو ارتباطات ارزش‌های انسانی، معناهای انسانی و جامعه‌های انسانی را همسان کرده است و از سوی دیگر مساله هویت به گفته کاستلز یک فرایند ساخته شدن معنا بر پایه‌ی یک ویژگی فرهنگی یا یک دسته ویژگی‌های فرهنگی که بر دیگر منابع معنا برتری دارند، می‌باشد (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۲۵). جوامع انسانی درست است خواه ناخواه در حال وارد شدن به شکلی از ارتباطات جهانی هستند اما جوامع انسانی در صورتی به صورت یک جامعه مستقل شناخته می‌شوند که از سایر جوامع تمایز و تفاوت داشته باشند. یک جامعه برای رسیدن به استقلال، دوام و استمرار باید بتواند از خلال کنش‌های ارتباطی به فرایند معناسازی و پروسه‌ی هویت‌سازی دست پیدا کند. تبلور این استقلال و رسیدن به فرایند معناسازی و پروسه‌ی هویت‌سازی را فقط می‌توان در چگونگی توسعه شهرهای یک جامعه دید. جامعه‌ای که مثلاً معماری امروزش بدون توجه به گذشته‌ی اجتماعی - فرهنگی و اقلیمش و بر اساس معماری کشورهای توسعه یافته بنا می‌شود، مطمئناً هنوز نتوانسته همزمان با وارد شدن به شکلی از ارتباطات جهانی از خلال کنش‌هایش به فرایند معناسازی و پروسه‌ی هویت‌سازی برسد. بازاندیشی و تشکیک در بنیان‌ها از مشخصات دنیا و انسان مدرن است که از خلال شکلی از ارتباطات جهانی به همه‌ی جوامع سرایت کرده است. در کل می‌توان گفت شهر فقط ساختمان نیست بلکه مکان انسان‌ها گروه‌ها سازمان‌های اجتماعی طبقات خانواده‌ها و... می‌باشد (توسلی، ۱۳۷۴: ۴). تغییر در فضاهای مسکونی شهر فقط یک تغییر ساختمانی نیست بلکه تعاملات انسانی را تحت تاثیر قرار داده است.

## طرح مساله

پژوهش‌های زیادی درباره‌ی جنبه‌های مختلف شهر صورت می‌گیرد. اهمیت این پژوهش‌ها در ایران به این دلیل می‌تواند باشد که جامعه‌ی ایران بدون پشت سر گذاشتن ملزومات مدرنیته وارد مرحله مدرنیته شده است. چون این خطر وجود دارد که نتواند به فرایند معنا سازی و پروسه‌ی هویت سازی از خلال کنش‌هایش برای حفظ استقلال، تداوم و استمرار خود به گونه‌ایی برسد که توسعه‌ی شهرهایش بر اساس گذشته‌ی اجتماعی - فرهنگی و اقلیمی اش به پایداری برسند. کولکوهن واژه‌ی فضای شهر را به دو گونه تعریف میکند: فضای اجتماعی و فضای ساخته شده و مصنوع. فضای اجتماعی "تداعی‌های فضایی نهادهای اجتماعی" است که مورد مطالعه جامعه شناسان و جغرافی دانان است از سوی دیگر فضای مصنوع متوجه فضای فیزیکی است و آن چیزی که در مورد توجه معماران است. مورفولوژی فضا است طریقی که فضا بر ادراک ما اثر می‌گذارد و شیوه به کارگیری فضا و معنایی که می‌توان از آن استخراج کرد. یکی از مهمترین موضوعات معماری در چند دهه گذشته "مقوله فضا" است. فضا عاملی اساسی در معماری است. تملک فضا به معنی توان دیدن بنا و یافتن کلید فهم و شناخت آن است حضور در فضا و تجربه آن از نزدیک جزئی از فضا شدن و خود تشکیل دهنده فضا بودن و نظاره نمودن فضا با حرکت در آن مناسب ترین ابزار فهم درک و تجزیه فضای معماری است (معماریان، ۱۳۸۶: ۲۵۴-۲۳۸) ظاهراً مقوله‌ایی که در کرمان در حال تغییر است فضای معماری است. اما آنچه پیش از همه در حال تغییر است رابطه‌ی تعاملی فضا و انسان است. این رابطه سبب به جریان افتادن فرهنگ در فضا می‌شود و به دنبال این امر در فرهنگ تغییر و تحول ایجاد می‌شود. در واقع فضا عرصه‌ای فرهنگی است که شرایط لازم برای انتقال همه عناصر یک فرهنگ را در خود دارد. مفهوم انسان سبب شکل‌گیری موضوع جدیدی تحت عنوان فضای انسان‌شناختی می‌گردد و ارتباط دقیقی را بین الگوهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و جغرافیایی متناسب با فرهنگها و روابط انسان‌ها برقرار می‌نماید. انسان‌ها در فضا زندگی می‌کنند یعنی رابطه‌ای پیوسته از کنش‌های متقابل با آن دارند: از آن تغذیه می‌شوند و آن را تغذیه می‌کنند، از آن تغییر پذیرفته و آن را تغییر می‌دهند، در آن فضا حرکت می‌کنند و با این حرکت خود، در آن فضا معنا می‌آفرینند اجرای فضا را به نشانه‌های معناداری برای خود تبدیل می‌کنند و یا نشانه‌هایی از بیرون بر فضا می‌افزایند (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۳۶)



فضاهای مسکونی از جمله فضاهای شهری هستند که اهمیت به سزایی در شکل‌گیری هویت‌های زنان داشته دارند. فضاهای مسکونی را می‌توان از مقوله‌هایی دانست که بیشترین تاثیر را در شکل‌گیری هویت زنان دارند. زنان بر اساس هویت ساختاریافته‌شان از خلال دین خود را بیشتر متعلق به فضای خانه تا فضاهای بیرونی می‌دانند. تغییر فضای خانه از ویلایی به آپارتمان‌نشینی تغییراتی بر روی فضاهای دیگر شهری هم دارد. در بافت قدیمی شهر محله‌گرایی و هویت جمعی بیشتر نمود دارد و در بافت جدید و شهرک‌های آپارتمان‌نشین شکل‌گیری هویت‌ها به طرف فردی شدن هست. اما با نفوذ مدرنیته و ورود دختران و زنان به فضاهای شهری (با به مدرسه و دانشگاه رفتن) باعث می‌شود هویت‌های جمعی جدیدی در شهرک‌های جدید بین زنان شکل بگیرد. چون افرادی که در شهرک‌های جدید زندگی می‌کنند بیشتر جوان و تحصیل کرده هستند. در این تحقیق سعی بر این است که تغییر در فضاهای مسکونی چه نقشی در شکل‌گیری هویت‌های زنان دارد که می‌خواهند وارد فضاهای بیرونی شهر شوند.

## اهداف تحقیق:

در این تحقیق هدف اصلی پاسخگویی به این سوال است تغییر فضاهای شهری و مسکونی در شکل‌گیری هویت‌های زنان چه تاثیری دارد. همان طور که فضاهای مسکونی شهر تغییر می‌کند مکان‌های جدید تفریحی و مذهبی هم در تقابل با مکان‌های مذهبی قدیم شهر به وجود می‌آید و شهر گسترده‌تر می‌شود. مطمئناً این تغییرات نحوه شکل‌گیری هویت را تحت تاثیر قرار می‌دهد. آیا تغییر فضاهای مسکونی از ویلایی به آپارتمان‌نشینی و تغییر فضاهای دیگر شهری در شهر کرمان، ورود زنان به فضاهای بیرونی شهر را تحت تاثیر قرار می‌دهد. گفتنی است بافت قدیمی و خانه‌های ویلایی در مرکز شهر کرمان قرار دارند در حالی شهرک‌های جدید و آپارتمان‌نشین در حاشیه شهر یا قرار دارند یا در حال ساخت هستند. این دوگانگی فضاهای مسکونی مطمئناً تعاملات اجتماعی افراد را هم تحت تاثیر قرار می‌دهد. مردم کرمان از یک سو با زندگی کردن در شهرک‌های جدید نه تنها باید با زندگی در خانه‌های ویلایی خدافظی کنند بلکه باید در حاشیه شهر و دور از مرکز شهر هم

باشند. زنانی که در شهرک‌های حاشیه‌ای زندگی می‌کنند به نسبت زنانی که در مرکز شهر هستند کم‌تر احساس امنیت دارند؛ به عنوان مثال چون دسترسی آن‌ها به وسایل نقلیه کم‌تر است. اگر شکل‌گیری شهر در راستای فضای جغرافیایی-هویتی آن شهر نباشد مطمئناً رابطه فضا با تعاملات جدید در جهت منفی شکل می‌گیرد.

#### سوالات تحقیق

- ۱- اگر تغییر فضاهای شهری در جهت مخالف فضاهای گذشته شهری باشند ورود زنان به فضاهای بیرون شهری را دچار مشکل نمی‌کنند؟
- ۲- آیا هویت زنانی که در خانه‌های آپارتمانی و دور از مرکز شهر زندگی می‌کنند بیشتر در جهت تطبیق با فضاهای جدید شهری است؟ یعنی به شکلی توسعه شهر را طبیعی فرض می‌کنند
- ۳- آیا هویت زنانی که در خانه‌های ویلایی و بافت قدیمی مرکز شهر زندگی می‌کنند بیشتر در جهت با تضاد فضاهای جدید شهری است؟ خود را با فضاهای بیرونی شهر در حال توسعه غریبه می‌دانند.

## فصل دوم

### چهار چوب نظری

## مفهوم شهر

واژه «Urban» در انگلیسی و «Urbain» در فرانسوی، از ریشه ی «Urbanus» لاتین یعنی «شهری» یا «متعلق به شهر» و از «Urbs» که به شهر رم اطلاق می شد، می آید. اصطلاح لاتین «Urbi et orbi» به معنی «در شهر (رم) و در جهان» که اصطلاحی آیینی و مذهبی است و پاپ آن را به هنگام دعای خود اعلام می کند، گویای مرکزیت باستانی شهر رم و امپراتوری آن بوده است. واژه ی «Urban» از قرن چهاردهم ابداع و عملاً از قرن شانزدهم در زبان های اروپایی رایج می شود. واژه «Urbanisation» یعنی «شهرسازی» واژه ای بسیار متاخر است که به سال های ابتدای دهه ی ۶۰ باز می گردد. واژه ی «Urbanism» که آن را می توان به

«شهرگرایی» یا «شهرشناسی» ترجمه کرد و منظور از آن عمدتاً علم معماری کاربردی برای ساخت شهرها است و با واژه ی «Urbanite» به معنی «علم شناخت و تحلیل مسائل شهری» به ویژه از دیدگاه مدیریتی و حکومت و برنامه ریزی شهری، ارتباط دارد، از پیشینه ای طولانی تر برخوردار است و از قرن پانزدهم مطرح بوده است و واژه ی «Urbanist» که به «شهرساز» ترجمه شده نیز از آن گرفته شده است (فکوهی، ۱۳۸۶: ۲۶).

صاحب نظران از شهر و شهرنشینی تعریف مبتنی بر ویژگی های شهر و پویای شهرنشینی ارائه کرده اند. در برخی تعاریف نیز جنبه های خاصی از علوم مانند نگاه جغرافیایی یا اقتصادی، سیاسی به شهرها مد نظر بوده است. دکتر صدیق مجموع تعاریف شهر را در چهار دسته طبقه بندی نموده است: ۱- تعاریف دموگرافیک اساساً شهر را بر مبنای اندازه جمعیت و تراکم آن تعریف می کنند. ۲- تعاریف نهادی، جوامعی را شهر می نامند که دارای نهادهای اجتماعی خاصی باشند. ۳- تعاریف فرهنگی، وجوه فرهنگی خاصی را نشانه شهریت می دانند. مثلاً گروهی از روشنفکران یا هنرمندان. ۴- تعاریف رفتاری، شیوه های رفتاری معین و مجزایی را خاص شهریان می دانند (مثلاً شیوه کنش متقابل اجتماعی غیرعاطفی) شهر جایی است که جمعیتی نسبتاً زیاد و متراکم دارد و هر جامعه ای که به لحاظ جمعیتی نسبتاً زیاد و متراکم دارد و هر جامعه ایی که به لحاظ جمعیتی بزرگ و انبوه باشد، جامعه شهری است (صدیق، ۱۳۶۹: ۱۹۹). می توان گفت در ادبیات علوم انسانی اغلب مفهوم شهر با مفهوم تمدن یکی گرفته می شود و بنابراین، شهر را نوعی خاص از سازمان یافتگی زندگی اجتماعی در انطباق با فضا تلقی می کنند که برای آن می توان مولفه هایی از جمله: نوع زیستگاه (مسکن)، نوع معیشت (اقتصاد)، نوع مدیریت سیاسی (رابطه ی فضا و قدرت)، نوع تقسیم کار اجتماعی، نوع تقسیم فضا و نوع فرهنگ و روابط انسانی نام برد (فکوهی، ۱۳۸۶: ۲۸). در کل اگر بخواهیم برای مفهوم شهر تعریفی جامع ارائه دهیم که شهر عموماً به طور منطقی در شکل گیری و تداوم خود از آن تبعیت می کند باید بگوییم که شهر زیستگاهی است انسان ساخت و در زیر یک قدرت سیاسی مشخص، که تمرکز جمعیتی نسبتاً پایداری را درون خود جای می دهد، فضاهایی ویژه بر اساس تخصص های حرفه ای به وجود می آورد، تفکیکی کما بیش مشخص و فزاینده

میان بافت های مسکونی و بافت های کاری ایجاد می کند و فرهنگی خاص را به مثابه حاصلی از روابط درونی خویش پدید می آورد که درون خود خرده فرهنگ های بی شماری را حمل می کند(همان: ۲۹).

اما بعد فیزیکی در این تحقیق مورد توجه است. لینچ علاوه بر مباحث معماری و طراحی شهری به بحث های هویتی و انسان شناختی به فضای شهری نیز پرداخته است. پرسش اساسی در دیدگاه انسان شناسی نسبت به فضا درک ساز و کارهایی است که در هر فضای مشخص به کار گرفته شده است تا به گروهی از انسان ها امکان زیستن و تداوم این زیست را در آن محیط عرضه کنند. انسان ها در فضا زندگی می کنند و رابطه ای پیوسته از کنش های متقابل با آن دارند (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۳۶). حال نیز در این زمینه عنوان کرده است که از لحاظ ساختاری انسان فضا را به صورت ثابت، نیمه ثابت و یا متحرک (بدون شکل) تقسیم می کند. به نظر وی " یکی از تفاوت های اساسی بین فرهنگ های مختلف این است که فرهنگ ها تعمیم دهنده ی اشکال رفتاری و تشریحی متفاوتی از سازواره ی بشری هستند. فضایی که در یک فرهنگ ممکن است سیمای ثابتی داشته باشد در فرهنگ دیگر می تواند نیمه ثابت باشد ( تی هال، ۱۳۷۶: ۱۵۵-۱۵۰). در حال حاضر ما در شهر کرمان در حال آشنایی با فضاهای جدیدی در شهرک های حاشیه ایی شهر هستیم و همچنین فضاهای قدیمی شهر هم در حال تغییر است. فضاهای ثابت مثل خیابان ها، ساختمان ها، کوچه ها و ... در شهرک های حاشیه ایی جدید هستند و در بافت قدیمی در حال خراب شدن، فضاهای متحرک مثل روابط انسان ها با یکدیگر، با اشیاء هم در حال تغییر است. لینچ سیمای شهر را زمینه ای پیوسته میدانست که اگر یکی از عوامل دست بخورد بر دیگری نیز اثر میگذارد. بنابراین ساخت این شهرک های جدید ساخت بقیه شهر به خصوص بافت قدیمی شهر را تحت تاثیر قرار می دهد. لینچ به چهار شاخص توجه می کند: ۱- توجه به شکل فضایی شهر با توجه به ماهیت انسان ها و فرهنگ آنها، ۲- حتی المقدور کلی باشد و در عین حال ارتباط صریحی با جنبه های خاصی از شکل داشته باشد، ۳- با فرضیات معقول بتواند با اهداف و ارزشهای فرهنگی مرتبط شود، ۴- محور ها زمانی کاربرد دارند که ارزشها

متفاوت و یا در حال تکاملند، ۵- خصوصیات در صورت امکان مستقل از یکدیگر باشند ( لینچ، ۱۳۸۱: ۱۵۲-۱۴۵).

## شهر و زنان

برای بررسی مفهوم فضا - مکان سعی می شود آن در ارتباط با جنسیت در نظر گرفته شود. فضای کالبدی که انسان در آن قرار گیرد را مکان می گویند. به عبارت دیگر، ترکیب انسان با فضا مکان می آفریند که می توان آن را در سه گروه؛ خصوصی، نیمه عمومی و عمومی دسته بندی نمود. این تقسیم بندی مکان بی ارتباط به جنسیت نیست. این پژوهش تاکید بر فضای خصوصی و عمومی دارد. خانه که در واقع یک مکان خصوصی است زنان در این مکان تا به امروز هویت خود را در آن شکل داده اند و امروزه به خاطر شکلی از ارتباطات جهانی وارد فضاهای عمومی با همان هویت ساختاریافته از خلال مکان خصوصی شده اند. فضاهای عمومی برای هر دو گروه زن و مرد استفاده می شوند. در بررسی رابطه بین جنسیت و فضا با پدیده ای تحت عنوان فضاهای جنسی شده و فضاهای جنسیتی برخورد برخورد نموده و این سوال ها مطرح می شوند آیا فضا جنسی است؟ آیا فضا جنسیتی است؟ اگر چنین است جنسیتی شدن آن چگونه صورت می گیرد؟ در پاسخ این سوال ها می توان گفت؛ به مکان خاص ممکن است بر اساس جنس زیست شناختی که افراد در آن اشغال می کنند خصوصیات جنسی داده شود یا بر اساس جنسیت فعالیت هایی که در آن انجام می شود جنسیت داده شود. مثلا توالت های جنسی شده هستند چون به صورت جنسی زن / مرد مورد استفاده قرار می گیرند. در حالی یک آشپزخانه ی خانگی به صورت زنانه جنسیت داده می شود زیرا ساختارهای فرهنگی آشپزی را متعلق به زن می دانند(رندل، ۲۰۰۰: ۱۰۱). مدافعین حقوق زنان بر این باورند که اساس رفتار جدایی شهر از خانه / عمومی از خصوصی / تولید از بازتولید و زنان از مردان بر مبنای رویکرد سرمایه داری و مردان است. تصویری که مربوط به جنس، جنسیت و فضا که در این دوگانه انگاری وجود دارد به طور مداوم بازتولید می شود. برای همین وجود زنان در مکان - فضاهای عمومی بار منفی می یابد (کاظمی، ۱۳۸۶). نگارنده بر این باور است برای دور شدن از این

دوگانه انگاری این زنان نیستند که با نادیده گرفتن جنسیت خود با فضاهای عمومی انطباق پیدا کنند بلکه این فضاهای عمومی هستند که باید بر اساس رویکرد زنانه رنگ و بوی دیگری بگیرند. این خواسته امکان پذیر نیست مگر این که زنان به بازیابی هویت ساختاریافته‌ی خود از خلال دین برسند و دارای قدرتی شوند که بتوانند وارد اداره امور شهرها برای ساخت آن‌ها بر اساس ویژگی‌ها و نیازهای خود شوند.

## هویت و جنسیت

واژه هویت یا Identity ریشه در زبان لاتین دارد و از Identitas که از Idem یعنی «مشابه و یکسان» ریشه می‌گیرد. این واژه در یک جهت به معنای یکتایی و فردیت اشاره می‌کند که شخص با تفاوت‌های اساسی از سایرین متمایز می‌شود و در جهت دیگر به این معنا است که شخص با ویژگی‌های مشترک برجسته‌ای می‌تواند خود را به دیگران یا گروه مشخصی وصل کند (بایرون، ۱۹۹۷، در فکوهی، الف ۱۳۸۰: ۶۴-۶۳). مفهوم هویت را می‌توان هم بر اساس عوامل شخصی و هم موقعیت ساختاری بررسی کرد. گیدنز عوامل شخصی و جنکینز موقعیت ساختاری را برای بدست آوردن هویت اجتماعی مهم می‌پندارند البته هر دوی آن‌ها به بازتعریف هویت‌های اجتماعی و بازاندیشی افراد در برابر هویت‌های سنتی تاکید می‌کنند. هویت ارتباط نزدیکی با واژه سوژه از آن جهت دارد که این واژه به معنای انسان فاعل، آزاده و آگاه و متفکر در نظر گرفته می‌شود، چون هویت نیز به معنای آگاهی به خود و تعریف از خود است. امروزه دیگر به خاطر تغییرات ساختاری و فرهنگی دهه‌های اخیر خبری از انسجام هویت‌های سنتی نیست و برای همین دیگر سوژه مدرن مثل سابق نمی‌تواند مدعی آگاهی و آزاده بودن باشد. در نتیجه سوژه مدرن دچار چندپارگی است که می‌توان از این موقعیتش به عنوان «بحران هویت» نام برد. تحولات دنیای مدرن بنیادی و ماهوی می‌باشند. تحولات در حوزه ذهنی به تبع خود تحولات در عینیت را حاصل کرد. شک در اندیشه و اعتقادات محصول نگاه درجه دوم است و شک دکارتی سمبل نگاه درجه دوم دنیای مدرن و انسان مدرن می‌باشد. در جوامع سنتی عقیده عامه مردم مبنی بر این مسئله بود که جهان و نظام حاکم بر آن تحت اقتدار مطلق خداوند قرار دارد. این امر باعث می‌شد



در این جوامع یکپارچگی، انسجام و اتحاد حاکم باشد. انسانی که در این جهان مقدس زندگی می‌کرد، تسلیم شرایط اجتماعی و طبیعی بود. از نظر او طبیعت چیزی بود غیر قابل تغییر و حاوی شرایط روزمره و تبلور قدرت خداوند و هویت او نیز به طور عمده با نقش اجتماعی اش یکسان بود. برای انسان پیشا مدرن هویت دشواره ای اندیشه ساز یا اندیشه سوز نبود. زیرا هویت او در ارتباط با کل های فرا فردی (خدا، روح، تاریخ، جامعه، قبیله و ...) تعریف می‌شد. این «من» در نظام کائنات در تناسب و تعادل و توازن زیستی قرار داشت. با طرح گزاره «من فکر می‌کنم، پس هستم» و ایده کانت مبنی بر فرآیند آگاهی از آگاهی، گسست از پارادایم سنتی آغاز شد. «آن نیروی خدایی که تمامی قدرتها در اختیار او بود بکلی مورد شک و تردید قرار گرفت و نیروی انسانی (سوژه) یعنی اعتقاد به توان، سازندگی و عقل انسان جایگزین آن گردید. سوژه خود بنیاد در مقام عبودیت جای گرفت و تمام قدرتهایی که پیش از این در اختیار خداوند بود، به انسان صاحب قوه عاقله رسید.» (هودشتیان : ۱۳۸۱، ۲۰۶) بنابراین ملاحظه می‌شود که «در بستر نظام اندیشه جدید سوژه به معنای لاتینی *subjectum* یعنی مطیع و بنده به کار نمی‌رود. بلکه به عکس به معنای آزادی از قید و بند اصول خارج از اندیشه است.

این نگاه که وی را حاجتمند بازاندیشی و بازخوانی کرد. باز اندیشی انسان در ذهن و فکر و نگرش و شبهه افکنی‌های بنیان کن در تمامی ابعاد وجودی انسان، منجر به باز - تعریف انسان شد. نگاهی مجدد به پیرامون و خود انسان و مشخصا به زنان که در دنیای مدرن قابل رویت است و حقوق و قوانین انسانی زنان و نگرش های فارغ از جنسیت نسبت به زنان، همگی محصول بازاندیشی در بسیاری از ابعاد می‌باشد. البته با رشد شتابان شهرها، پیشی گرفتن جمعیت شهرنشین بر جمعیت روستایی، نیاز متقابل بنگاه های اقتصادی به کار زنان و نیاز خانواده یا زنان به کار و شغل در خارج از خانه، سبب افزایش نقش اقتصادی و اجتماعی زنان و تحول تدریجی جامعه پدرسالار می‌شود. بنابراین برای بررسی هویت زنان به راحتی نمی‌توان از خلال مفاهیم عوامل شخصی و موقعیت ساختاری که ارتباطی نزدیک با واژه ی سوژه دارند، نزدیک شد. روان شناسان اجتماعی بر این واقعیت تاکید می‌کنند که احساس هویت (فردی) به واسطه ی دیالکتیک میان فرد و جامعه شکل می‌گیرد. بدین معنی

که بینش و بصیرت فرد از خودش ناشی از تصویری بود که از جامعه در ذهن خود می‌پروراند. اما زنان دیری نیست که در حال وارد شدن از یک فضای اندرونی به فضای‌های بیرونی شهر هستند. زنان ایرانی تا چندی پیش که فقط خود را متعلق به فضای اندرونی می‌دانستند تعریفشان از «خود» بیشتر مبتنی بر احکام رساله ای و فضای خانه بود. اما رشد سریع شهرنشینی در جهان سوم با رشد جنبش‌های زنان و افزایش سریع تشکل‌های زنان، به ویژه در نواحی کلانشهری، همراه بوده است. انتقادهای فمینیست‌ها علیه مدرنیته است. جنبش فمینیسم بسیار ناهمگون و متنوع است ولی در یک بیان ساده و کلی می‌توان آن را به عنوان «تعهدی برای پایان دادن سلطه جنس مذکر» تعریف کرد. جوهر جنبش فمینیسم عبارت است از بازتعریف هویت زنان، که گاهی با تصدیق برابر زن و مرد همراه است، و گاهی بر ویژگی‌های ذاتی زنان و برتری روش‌های زنانه به عنوان منابع کامل انسانی، تاکید می‌ورزد. بنابراین وجه مشترک بنیادینی که زیر بنای تنوع جنبش فمینیسم را تشکیل می‌دهد عبارت است از: تلاش تاریخی، فردی و نیز جمعی، رسمی و غیر رسمی، برای تعریف مجدد زن بودن در تقابل مستقیم با پدرسالاری (کاستلز، ۱۳۸۰-۲۱۷). زنان ایرانی هم با وارد شدنشان به فضاهای شهری دچار تعارض هویت می‌شوند و تنها راه حل این مساله بازتعریف هویتشان توسط خود آن‌ها است. بنابراین شاید بتوان گفت زنان همان‌طور که وارد فضاهای شهری می‌شوند (شهری که از ارزش‌ها و هنجارهای مردانه تبعیت می‌کند و تمام عظمت، زیبایی، آسایش و کارآیی را برای مردان می‌جوید و می‌سازد) باید بتوانند به معنای دیگری در مقابل با مردان از مفاهیم «سوژه» و «هویت» دست پیدا کنند.

فرق اساسی که بین هویت‌یابی جوامع توسعه یافته با جامعه‌ی ما وجود دارد این است که آن‌ها از خلال بازاندیشی در گذشته‌ی خود کم‌کم توانستند از هویت سنتی خود دور شوند اما جامعه‌ی ما یا جوامع دیگر در حال توسعه بر اساس وارد شدن به شکلی از ارتباطات جهانی مجبور شدن برای حفظ استقلال و دوام خود به هویت‌یابی بیاندیشند. این موقعیت بحران‌زای جوامع در حال توسعه ممکن است باعث افراط‌گرایی در حفظ ایدئولوژی‌های گذشته‌شان شود. در هر صورت زنان باید با هویت شکل‌گرفته‌شان از خلال دین که آن‌ها بیشتر

متعلق به فضای خانه می‌داند به خاطر وارد شدن شان به فضاهای شهری هویت اجتماعی خود را در ارتباط با شکلی از ارتباطات جهانی شکل دهند تا هم تعریفی از خود در برابر مردها داشته باشند و هم کم کم بتوانند از موقعیت های تبعیض جنسیتی و جهانی دور شوند.

## فصل سوم

# روش شناسی

## روش تحقیق

تحقیق مورد نظر یک مطالعه موردی است. در این مطالعه موردی از روش‌های اسنادی، مشاهده و مصاحبه استفاده شده است. مصاحبه‌ها نیم ساخت‌یافته هستند. مساله مورد نظر در این تحقیق بررسی شکل‌گیری هویت‌های متفاوت زنان در فضاهای متفاوت شهری به خصوص فضاهای مسکونی است. به نظر می‌رسد به دلیل گسترگی شهر کرمان دارای یک توسعه‌یافتگی ساختاریافته نیست. فضاهای مسکونی دور از مرکز شهر بر خلاف مرکز به صورت آپارتمان‌نشینی است. هر چند خانه‌های ویلایی در

سطح شهر هم معماری بومی خود را از دست داده‌اند اما هنوز ویلایی هستند. همین امر در حال ساخت فضاهای ثابت، نیمه متحرک و متحرک متفاوتی با مرکز شهر است. از یک سو ما شاهد نوعی محله‌گرایی و فضا سازی متفاوت در حاشیه‌های شهر هستیم و در سوی دیگر بین شهرک‌ها و مرکز شهر تعاملات اجتماعی وجود دارد که نه تنها نوع خدمات‌رسانی شهر بلکه شکل‌گیری هویت زنان که تازه در حال ورود به فضاهای بیرونی شهر هستند را تحت تاثیر قرار می‌دهد. برای بررسی این موضوع نگارنده مجبور بوده است در ابتدا توسعه شهر را مورد بررسی قرار دهد تا از شکل توسعه‌یافتگی شهر پی به نوع خدمات‌رسانی برای زنان در شهرک‌های حاشیه‌ای ببرد. در مرحله دوم با مصاحبه با زنان در یکی از شهرک‌های درو از مرکز (باهنر) بداند هنوز هویت زنان این محله تحت تاثیر هویت ساختار یافته زنان است که خودشان را بیشتر متعلق به فضاهای مسکونی می‌دانند و فضاهای بیرونی شهر را به گونه‌ای با خودشان غریبه می‌دانند. در مرحله بعد نگارنده با زنان یکی از محلات مرکزی شهر (مشتاق) هم مصاحبه کرده است که مقایسه‌ای بین شکل‌گیری هویت آن‌ها با زنان آپارتمان‌نشین شهرک‌های حاشیه‌ای کرده باشد. در این تحقیق بیشتر از روش مشاهده استفاده شده است. روش مشاهده به ویژه در تحقیقات بر حوزه‌ی شهری از اهمیت بسیاری برخوردار است. مشاهده به عنوان روش علمی جمع‌آوری اطلاعات، در مقایسه با سایر روش‌ها، دارای مزایای خاصی است، "از بزرگترین مزیت‌های مشاهده این است که روشی است مستقیم و بدین طریق می‌توان اطلاعات دست اول تهیه کرد. در واقع دسترسی به رفتار و حوادث در حالت طبیعی و بدون دخالت سایر عوامل از طریق مشاهده ممکن است و همین امکان آن را روشی مناسب جهت جمع‌آوری اطلاعات می‌کند" ( طالقانی، ۱۳۷۰: ۱۲۶-۱۲۵).

از آن‌جا که نگارنده در کرمان زندگی کرده است تنها با فضاهای شهری آشنایی دارد بلکه تغییر خلق و خو یا شکل‌گیری هویت‌های زنانه را هم از نزدیک مشاهده کرده که چگونه تغییر فضاهای مسکونی

تأثیرگذار بوده است. با این حال نگارنده سعی کرده است از خلال نظریه‌های مختلف شهری و هویت دانش تجربی و مشاهدات خود را ارائه دهد.

## فصل چهارم

# جامعه مورد مطالعه

مقدمه

فضاهای شهری قابل تفکیک به الگوهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مختلفی هستند. بنابراین در ابتدا شهر کرمان را از لحاظ اقتصادی، جمعیتی (زن و مرد)، رشد کالبدی و توزیع خدمات مورد بررسی قرار می‌دهیم سپس با توجه به الگوها همانا محله شهری بافت قدیم و جدید و به شکلی به نوع توسعه یافتگی این شهر می‌پردازیم. گفتنی است در محله گروههای اجتماعی، قومی و فرهنگی و سایر زیر مجموعه های جامعه مکان خاص خود را می‌یابند و در آن فرآیندهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و زیبایی شناختی مجالی برای بروز پیدا می‌کنند. " ایجاد بخشی با هویت از بافت شهری تحت نام محله

تلاشی برای استمرار بخشیدن به فضاهای خصوصی صمیمی ورای خانه است. به عبارتی دیگر محله‌ها ایجاد می‌شوند تا عرصه‌ی خصوصی را به بخش بزرگتری از شهر گسترش دهند (مدنی پور، ۱۳۸۷: ۱۸۸-۱۶۳). این ویژگی‌های محله بیشتر در بافت قدیم شهر کرمان تا شهرک‌های جدید نمود دارد. تنها چیزی که باعث می‌شود مردم شهرک‌های جدید با هم به توافق برسند و احساس تعلق به مکان زندگی-شان پیدا کنند مربوط به تلاشی است که برای نبود خدمات رفاهی با هم انجام می‌دهند. در محلات قدیم که بیشتر در مرکز شهر کرمان قرار دارند به دلیل وجود مکان‌های متنوع فرهنگی، آموزشی، مذهبی، تفریحی و ... در این محلات حس همسایگی و پیوندهای اجتماعی وجود دارد. اما در شهرک-های جدید برای به دست‌های آوردن خدمات رفاهی باید تلاش کنند با سایر همسایگان وارد ارتباط شوند. و اگر این تلاش را نداشته باشند باید به طور مستقل در حال رفت و آمد به مکان‌های تفریحی، مذهبی و ... مرکز شهر باشند. این رفت و آمد مطمئناً مشکلاتی برای زنان به وجود می‌آورد. علاوه بر این فضاهای مسکونی شهرک‌های حاشیه‌ای متفاوت از خانه‌های ویلایی بافت قدیم هستند. گویی باید تعریف‌های متفاوتی برای بافت قدیم و بافت جدید شهر از لحاظ محله شهر داشته باشیم. در بافت قدیم بیشتر به دنبال حس‌های تعلق همسایگی باید باشیم در حالی در شهرک‌های جدید بیشتر باید به جنبه‌های فیزیکی و ریخت‌شناسی ( موقعیت در شهر، دوره‌ی ساخت، تیپولوژی ساختمان‌ها) توجه کنیم. این نگاه‌های متفاوت به محله‌های قدیمی و جدید ما را به شکل‌گیری هویت‌های متفاوت زنان سوق می‌دهد.

## ۱-۴ مروری به فضاها و معماری شهر کرمان

شهرهای جهان سوم که کرمان هم از آن‌ها مستثنی نیست تحت تاثیر اقتصاد بازار در حال توسعه هستند. برای همین معماری قدیم اکثر شهرهای ایران و همچنین کرمان بر اساس اقلیم و هویت ساختاریافته مردم شکل گرفته‌اند. حال دگرگونی در اقتصاد و معیشت، معماری خاصی را به شهرهای



جهان سوم تحمیل می‌کند که نه به راحتی می‌توان در آن‌ها ارتباطی بین فضاهای شهری جدید و قدیم نه ارتباطی بین هویت اجتماعی ساختاریافته گذشته و هویتی که امروزه به خاطر تعامل افراد بین فضاهای جدید و قدیم پیدا کرد. این می‌شود که باید برای هر بخش از نظریه خاصی استفاده کرد و علاوه بر آن باید قدرت تحلیل ارتباط نظریه‌های نظریه‌های مختلف را هم داشت تا شاید بتوانیم شهر را به صورت یک پروسه فرهنگی نه مطلق دریابیم. وقتی نگاه می‌کنیم معماری بخش‌های مختلف شهر کرمان می‌بینیم معماری بومی بر اساس اقلیم کویری و هویت مردم کرمان است. حالا شهر به گونه‌ایی متفاوت از قبل در حال توسعه است و مردم مجبورند خودشان را با فضاهای ناشناخته و غیرملموس تطبیق دهند. در غیر این صورت از زندگی ساقط می‌شوند. برای همین قدیمی‌های شهر کرمان حاضر نیستند در خانه‌هایی جز ویلایی زندگی کنند. به عنوان مثال هم زندگی در یک فضای کوچکتر از نظر اقتصادی به صرفه‌تر است هم این که مردم بدون توجه به هویت ساختاریافته‌شان، خودشان را برای شکل‌گیری هویت اجتماعی‌شان با فضاهای جدید تطبیق دهند. در این جا به طور کلی به معماری جدید و قدیم کرمان اشاره می‌شود.

سیمای شهر کرمان در حال تغییر است. این تغییرات عمدتاً در جهت هم‌سویی با سیمای شهرهای بزرگ کشور به ویژه تهران بوده است. تغییرات سیمای شهر عمدتاً بیانگر رفاه و توسعه بیشتر شهر نسبت به سال‌های قبل است. اما از طرفی این تغییرات در جهت ضعیف‌تر شدن هویت و ویژگی‌های محلی معماری و فضاهای شهری صورت گرفته است. در گذشته شهر کرمان دارای معماری غنی و کاملاً متمایز از دیگر شهرهای سنتی کشور بوده است. کاربرد ویژه آجر، نقوش بسیار زیبا، فضا سازی‌های خاص داخلی و بیرونی بناها ورودی‌های مجلل بناهای عمومی و اشدگاهها و بسیاری عناصر دیگر معماری و شهری هویتی خاص به این شهر داده است. اما معماری بومی در حال کم‌رنگ شدن است. طبیعی است که اکثر فضاهای شهری و آثار معماری بومی در محدوده بافت کهن شهر قرار دارد. اما این بافت

شدیدا در معرض تخریب و فرسایش قرار گرفته است. ارزش‌های فضایی و زیبایی‌های موجود در این بخش از شهر کمتر مورد توجه قرار گرفته و تمایل شهروندان به سکونت در آن در سطح بسیار پایین قرار گیرد. و این امر خود به نحوی باعث متروکه شدن و تخریب بیشتر بافت گردیده است. مهم‌ترین محور فضایی بافت کهن مجموعه بازار، میدان‌های، تیم‌ها و سایر فضاهای وابسته و آثار معماری موجود در آن است. مجموعه‌های گنجعلی خان، ابراهیم خان، وکیل حاج علی‌آقا و غیره. هر یک برای خود دارای شخصیت ویژه و ارزش‌های فضای خاص خود هستند. علاوه بر این بازار خود مانند یک موزه تاریخ معماری، تحولات معماری شهر را در دوره‌های مختلف بعد از اسلام به نمایش می‌گذارد. علاوه بر بازار و فضاهای شهری آن، میدان‌چه‌ها و فضاهای باز شهری که در اصطلاح محلی «واشدگاه» نامیده می‌شوند از جمله فضاهای زیبای بافت کهن به حساب می‌آیند که اکثرا یا تخریب شده‌اند یا در حال تخریب هستند. از جمله بارزترین و زیباترین فضاهای شهری بومی و سنتی، گذرگاه‌ها و فضاهای رفت و آمد در بافت کهن و قسمت‌هایی از بافت و توسعه اخیر شهر هستند. گذرهای قدیمی در بسیاری موارد به صورت سابات یا قسمت‌های سر پوشیده در آمده و از این طریق تنوع فضایی و جذابیت خاصی در محوره‌های رفت و آمد محله‌ای به وجود می‌آورند. علاوه بر این خرده فضاهای متنوعی مانند ورودی خانه‌ها یا بناهای عمومی و غیره به تنوع فضای گذرها می‌افزایند. در قسمت‌هایی از بافت‌های نسبتا جدید و خودروی شهر هنوز هم آثار این نوع تفکر فضایی را می‌توان مشاهده کرد. بالاخره از عوامل شکل‌دهنده فضا در بافت‌های سنتی و بومی شهر، عناصر معماری و واحدهای مسکونی سنتی را باید نام برد. بناها و عناصر معماری عمومی سنتی، مانند مساجد، تکیه‌ها، آب‌انبارها و غیره نیز از اجزاء تشکیل دهنده فضاهای بومی به حساب می‌آیند. بسیاری از عناصر (مانند مساجد و تکیه‌ها) در حال حاضر نیز زنده هستند و نقش خود را در برآوردن احتیاجات عمومی محله حفظ کرده‌اند.

شهر کرمان از نظر فضاهای عمومی شهری جدید چندان غنی نیست. فضاها اکثرا بدون ایده خاصی از نظر طراحی شهری و سازماندهی فضایی به وجود آمده‌اند. لذا از تنوع چندانی نیز برخوردار نیستند و جز در موارد استثنایی تقریبا همه از یک تفکر طراحی شهری قدیمی در ارتباط با رفت و آمد شکل گرفته‌اند. عمده‌ترین فضاهای شهری عمومی میدان‌هایی هستند که در محل تقاطع خیابان‌های اصلی به وجود آمده‌اند. عملکرد اصلی این میادین حل مساله رفت و آمد نقلیه است. این میادین اکثرا همراه با فضای سبز و آب‌نما و... در وسط آن‌ها ساخته شده‌اند. بنابراین استفاده عمومی از این فضاها بسیار محدود و بیشتر با مشکلاتی از نظر تقاطع با مسیر عبور خودروها همراه است. در این‌جا به چند مورد استثنایی مانده میدان ارک و میدان جنب شورای شهر می‌توان اشاره کرد که تا حدودی از تنوع و شخصیت فضایی برخوردارند. به طور کلی خیابان‌ها و معابر اصلی رفت و آمد در شهر علاوه بر عملکرد اصلی آن‌ها که ایجاد ارتباط بین مناطق مختلف شهر است، به عنوان فضاهای عمومی شهری و محل برخورد و روابط اجتماعی شهروندان نیز نقش عمده‌ایی به عهده دارد.

شکل فضایی خیابان‌ها اکثرا یکنواخت و بدون تغییر و تنوع در مسیر آن‌ها بوده و معماری بناها نیز این یکنواختی را تشدید می‌کنند.

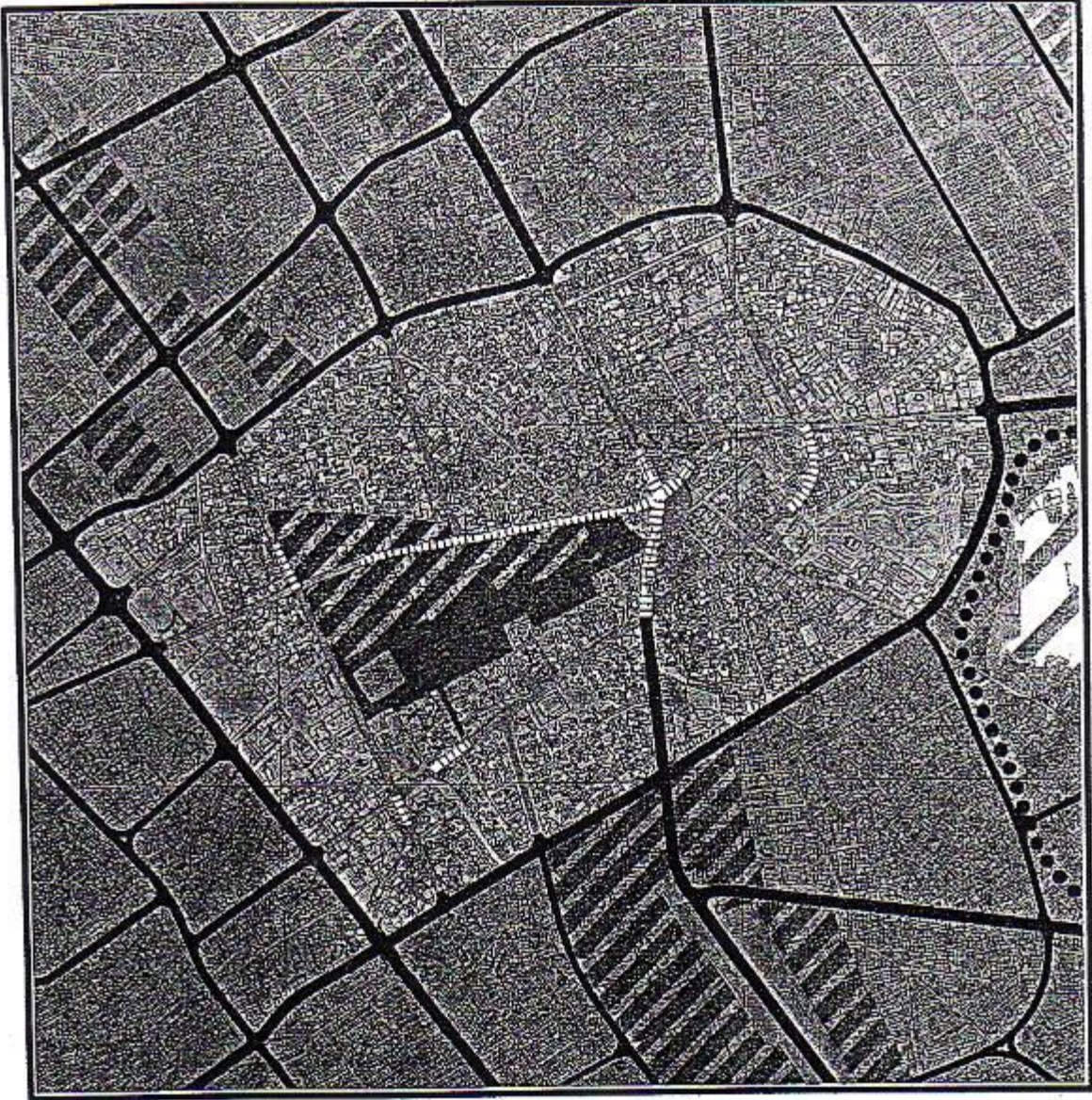
بعضی از خیابان‌های اصلی به صورت بلوار و دارای جزیره وسط هستند که خود به نحوی تنوع فضایی ایجاد می‌کنند. به همین دلیل این خیابان‌ها مورد توجه مردم هستند و گاهی از جزیره وسط به عنوان فضای سبز نواری و گردشگاه استفاده می‌کنند که البته از نظر تداخل رفت و آمدهای پیاده و سواره ایجاد مشکلاتی خواهند کرد. مهم‌ترین این نوع فضاها بلوار جمهوری اسلامی، بلوار ۲۲ بهمن و خیابان کمربندی به شمار می‌رود. بالاخره مطبوع‌ترین فضاهای عمومی موجود در قسمت‌های توسعه جدید شهر را می‌توان فضاهای سبز موجود در گوشه و کنار شهر دانست. این فضاها که در مقیاس‌های مختلف شهری، ناحیه‌ای و محله‌ای ایجاد شده‌اند نقش اساسی در گذراندن اوقات فراغت شهروندان و روابط



چهره به چهره اجتماعی ساکنین به عهده دارند. گرچه فضاهای سبز محله‌ای اکثراً از نظر طراحی و اجرای جزئیات ساختمانی و مبلمان شهری در وضع نامناسبی هستند، اما به هر حال بهترین فضاهای تلطیف کننده محیط و ایجاد کننده آرامش در فضاهای مسکونی شهر به شمار می‌روند. در کل می‌توان گفت فقط کاربرد آجر در بناها به شکلی معماری بومی را در شهر به وجود آورده است.



نگاره ۲: محدوده‌های میانی و بافت کهن شهر

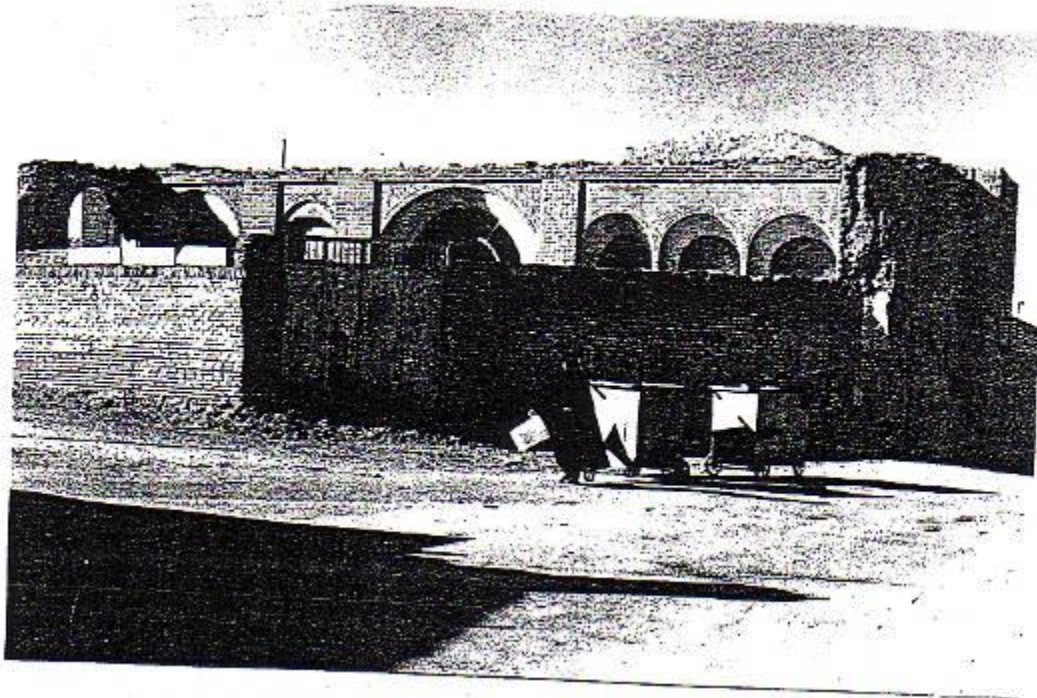
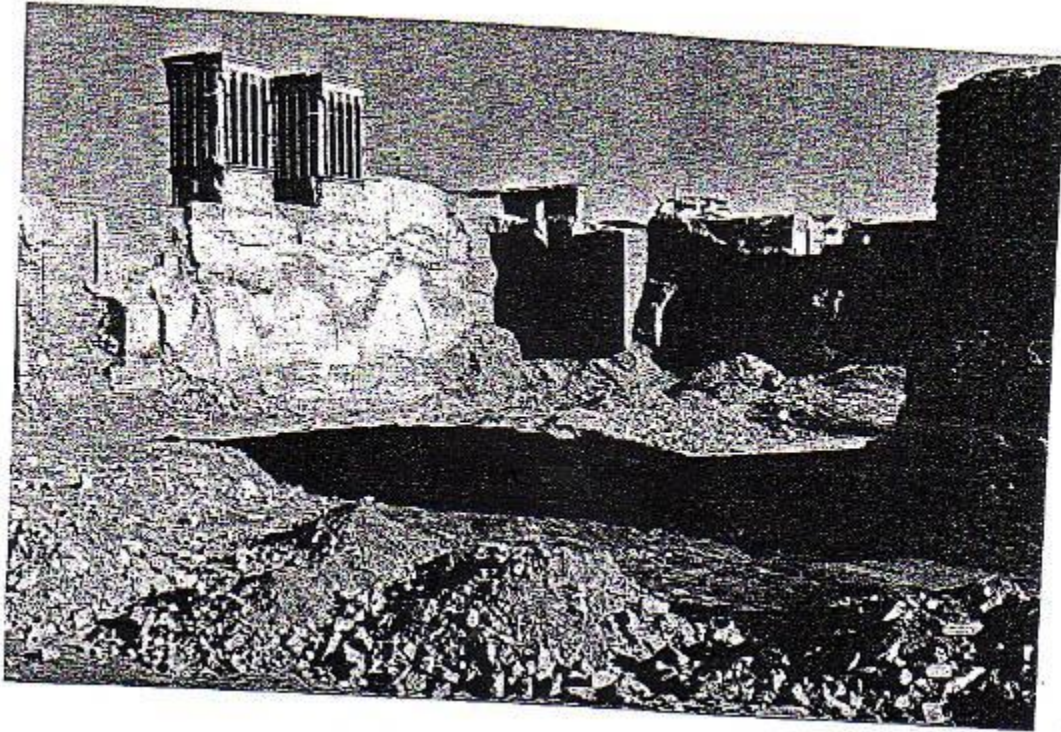




محدوده میانی   
محدوده حاشیه ای 

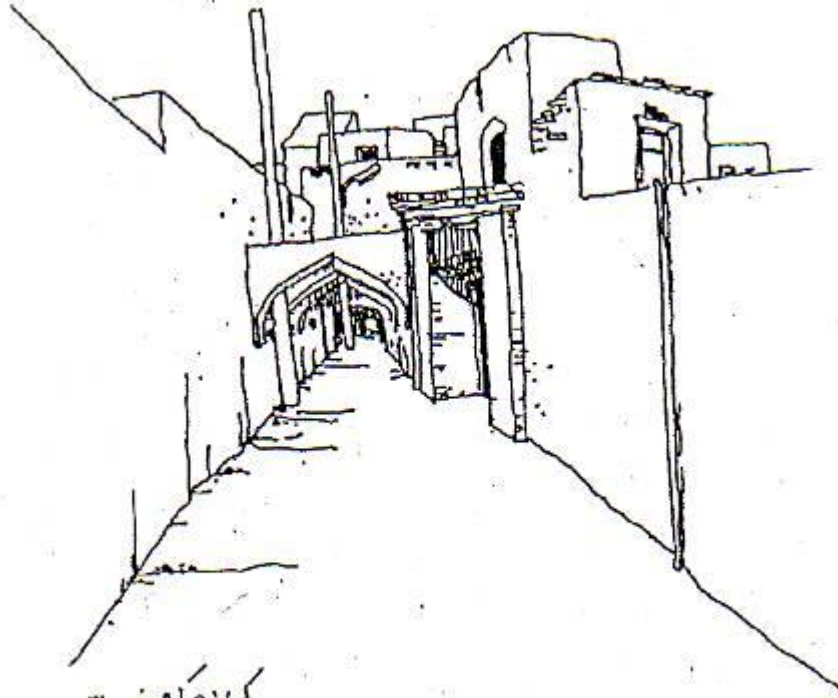
نگاره ۳: نمونه‌هایی از مخروبه‌های بافت کهن





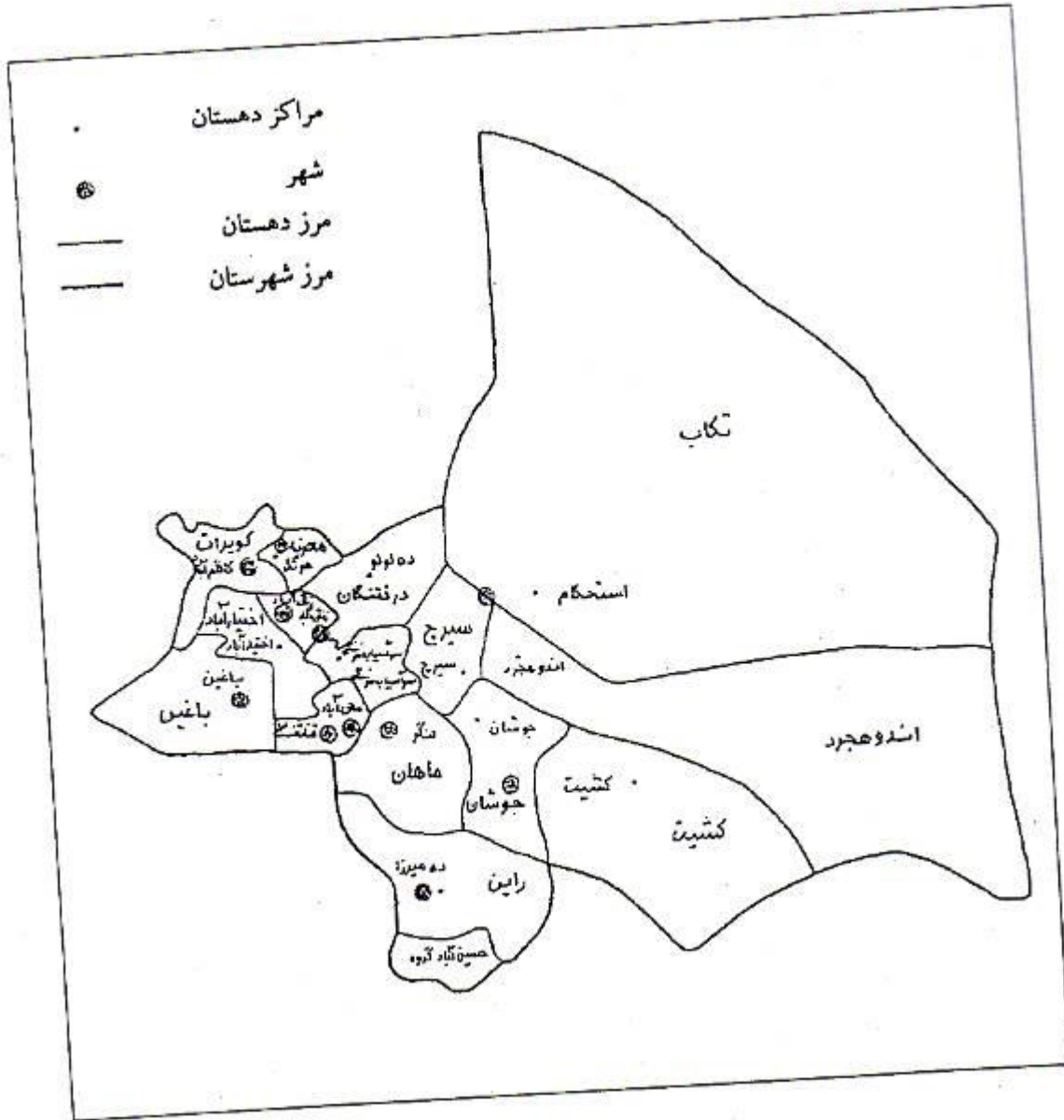


نگاره ۴: نمونه‌ایی از سابات‌ها



کرمان - تره‌سبز - دروازه آزاد  
مهرماه ۱۳۷۹  
۷۹، ۷۳

نگاره ۵: تقسیمات اداری شهرستان کرمان



## ۲-۴ رشد کالبدی شهر کرمان

کرمان شهری است بسیار گسترده و کم تراکم. این گستردگی و پایین بودن بیش از اندازه تراکم شهری از ویژگی‌های اساسی و مهم‌ترین مساله توسعه شهر به شمار می‌رود. سازمان فضایی و حدود کلی توسعه شهر کرمان تحت تاثیر عوامل مختلفی شکل گرفته است که در این جا به بعضی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

### ۱- ۲-۴ عواملی طبیعی و جغرافیایی

بستر طبیعی توسعه شهر کرمان دشتی است مسطح با شیب بسیار کم از جنوب شرقی به طرف شمال غربی. این دشت از شرق به کوه‌هایی کم ارتفاع محدود می‌گردد که توسعه شهر را در این جهت متوقف نموده است. از طرف جنوب نیز توسعه شهر توسط اراشی کویری (شن‌های روان و مناطق تاق کاری شده) محدود شده است.

### ۲- ۲-۴ راه‌ها و محورهای ارتباطی

توسعه شهر کرمان در طول تاریخ تحت تاثیر راه‌های ارتباطی با مناطق اطراف و سایر نقاط کشور قرار داشته است. عمده‌ترین این راه‌ها، راه خراسان (جاده زرنند) از جهت شمال راه سیرجان - بندرعباس و تهران از طرف غرب و راه ماهان - بم از طرف شرق و بالاخره راه جویبار از طرف جنوب بوده‌اند. وجود فرودگاه و بلوار ارتباطی بین شهر و فرودگاه نیز از عوامل موثر در شکل و جهت توسعه شهر (به طرف غرب) به شمار می‌رود. از طرفی دیگر عبور راه‌آهن از مناطق غربی شهر به عنوان یک عامل بازدارنده توسعه مطرح می‌شود.

### ۳- ۲-۴ عوامل اقتصادی

اقتصاد شهر کرمان عمدتاً متکی بر تجارت و خدمات منطقه‌ای است. در گذشته نیز نقش و عملکرد کرمان در منطقه به همین صورت بوده است و شاید بتوان گفت این امر دلیل اصلی رشد و توسعه شهر کرمان به شمار

می‌رود. لذا ساختار فضایی شهر کرمان نیز در رابطه با ضرورت‌های اقتصادی شهر شکل گرفته است. بدین معنا بازار به عنوان ستون فقرات اصلی شهر قدیم هنوز هم نقش مرکز اصلی شهر را به عهده دارد. مرکز اداری-تجاری شهر نیز در اطراف محورهای اصلی ارتباطی استقرار یافته و به دنبال آن مناطق مسکونی شهر در اطراف این مراکز توسعه یافته‌اند. شکل مالکیت و ارزش زمین در دوره‌های مختلف توسعه شهر نیز از عوامل موثر بر ساختار فضایی شهر بوده است. برای مثال بافت فرسوده واقع در منطقه سلسبیل و محله‌های اطراف آن عمدتاً به دلیل وجود اراضی وقفی از یک طرف و اراضی عرضه شده توسط دلان زمین از طرف دیگر شکل گرفته است. (طرح جامع شهری)

مناطق توسعه شهری کرمان را در سه بخش عمده و متمایز از یکدیگر می‌توان بررسی کرد.

## ۱- بافت کهن

قدیمی‌ترین قسمت شهر یعنی فضاهای داخل حصار که در حال حاضر با مختصر تغییر بین خیابان‌های قرنی، ابوحماد، شهدای دارلک، مدرس و مطهری محدود می‌شود به عنوان بافت کهن شهر شناخته شده و در موارد متعدد به صورت‌های گوناگون ارزش‌ها، ویژگی‌های تاریخی- فرهنگی و ضرورت حفظ و احیاء آن مورد تاکید قرار گرفته است. قسمت بخش مرکزی بافت کهن که عمدتاً شامل بازار و مجموعه‌های وابسته به آن می‌گردد. این بخش بین خیابان‌های طالقانی، شریعتی، میدان مشتاق و خیابان امام خمینی محدود می‌گردد. بخش حاشیه‌ایی شامل محله‌های مسکونی قدیمی، مراکز محله و بعضی از آثار با ارزش تاریخی مانند مسجد ملک و غیره است.

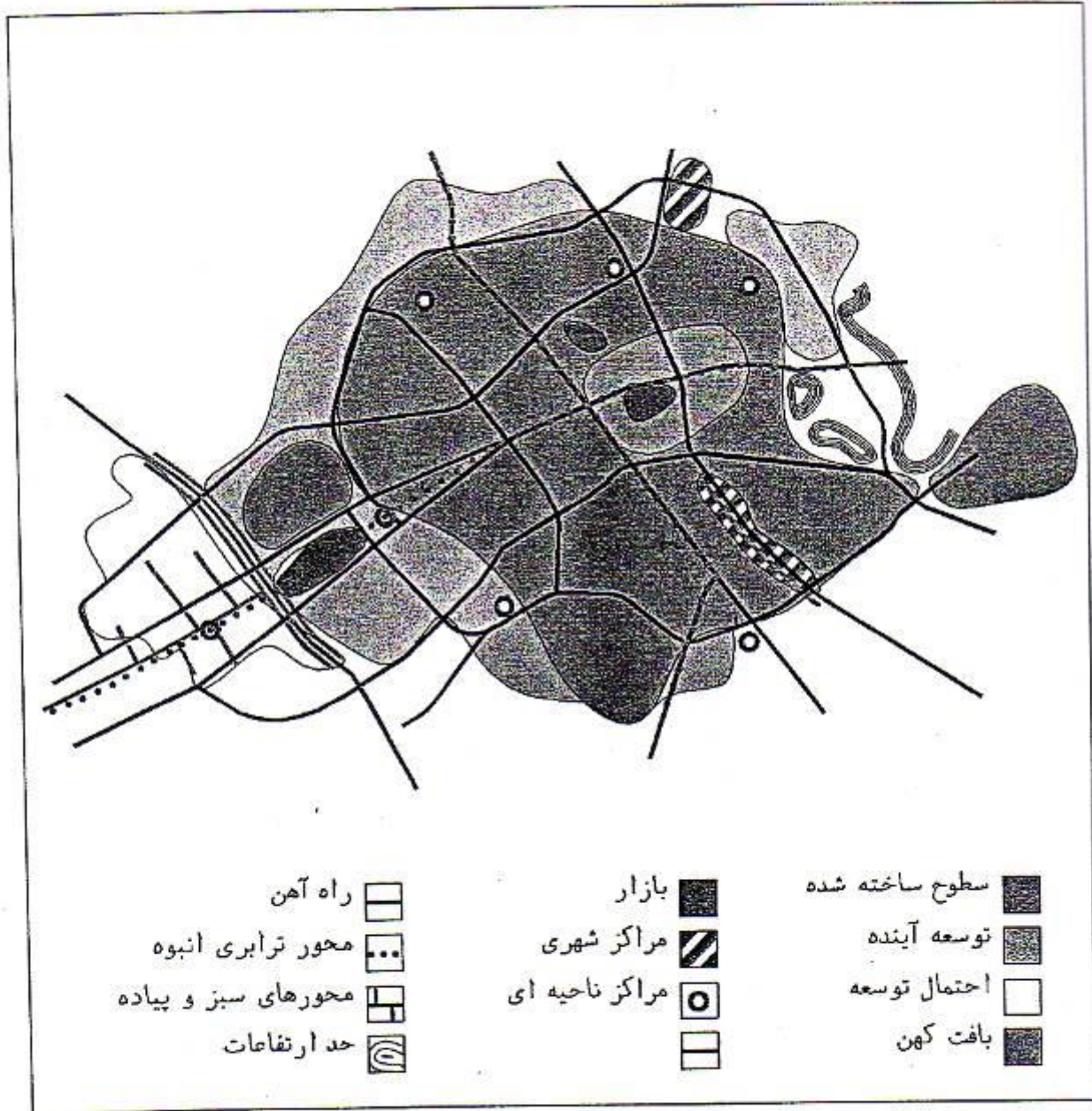
## ۲- بافت پیوسته توسعه اخیر

توسعه پیوسته و نسبتاً متراکم شهر کرمان در خارج از حصار قدیمی و حد فاصل بین دو کمربندی شمالی و جنوبی ( که در حال حاضر جزو خیابان‌های اصلی شهر به حساب می‌آیند) صورت گرفته است. این بخش را می‌توان توسعه پنجاه سال گذشته شهر کرمان دانست به همین دلیل آثار طرز فکرهای مختلفی که در دوره حاکم

بوده است در بافت و فضاهای شهری آن منعکس است. احتیاجات عمومی شهری نیز در نقاط مختلف آن به صورت پراکنده وجود دارد.

### ۳- بافت‌های ایجاد شده در اثر طرح‌های آماده سازی

در سال‌های اخیر تعداد زیادی طرح‌های آماده‌سازی در شهر کرمان به مرحله اجراء در آمده است. این بافت از نظر تراکم عملی جمعیتی و ساختمانی و هم از نظر خدمات شهری در سطحی پایین‌تر از معیارهای و استانداردهای مورد نظر قرار دارند. در این زمینه می‌توان از طرح‌های آماده‌سازی جنوب کمربندی، احمدآباد، شهید باهنر، بداغ‌آباد، شورئیه و ... نام برد.



## ۳-۴ تغییرات معیشتی و جمعیتی در راستای تغییرات فضاهای شهری

### ۱- جمعیت

اطلاعات جمعیتی شهر کرمان از سال ۱۲۴۷ در دسترس است. بررسی سوابق نشان می‌دهد که حجم جمعیت این شهر که در سال ۱۲۴۷ حدود ۳۰ هزار نفر بوده است در سال ۱۳۷۵، ۳۸۵ هزار و سال ۱۳۸۵ ۵۱۵،۱۱۴ بوده است. میزان رشد سالیانه جمعیت این شهر طی دوره‌های مختلف نوسانات شدیدی داشته است. روندهای رشد طبیعی جمعیت در سراسر کشور با کاهش شدیدی گزارش شده است. روندهای رشد بالای جمعیت که فراتر از ارقام رشد طبیعی است، نمایشگر مهاجرپذیری شهر است. این روندها را برای زمان‌های بلند مدت نمی‌توان پذیرفت، زیرا مهاجرت‌ها معمولاً تابع عوامل برون شهری هستند و گاه با توسعه و عمران سایر مناطق و به ویژه افزایش کانون‌های شهری تغییر جهت می‌دهند. به همین جهت استمرار میزان‌های رشد در بلند مدت خیلی قابل اطمینان نیست.

### ۲- تحولات اقتصادی

بررسی‌های اقتصادی نشان می‌دهد که شهر کرمان در استمرار روند گذشته، دارای اقتصادی مبتنی بر فعالیت‌های خدماتی است. این وجه از سوئی به لحاظ نقش سیاسی شهر کرمان به عنوان یک شهر مدیریتی در سطح استان (و حتی حوزه شرقی کشور) با پذیرش سهم تعیین کننده‌ای از پست‌ها و مشاغل دولتی مربوط به ساختار اداری کشور و از دیگر سو نقش هدایت فعالیت‌های عمده تجاری بخش کشاورزی است. این امر موجب شده است بسیاری از مشاغل شهرستان و شهر کرمان در ارتباط با این دو زمینه اصلی فعالیت‌ها شکل بگیرند. آنچه در زمینه فعالیت‌های تجاری بخش کشاورزی منطقه می‌توان گفت، نقش بسیار تعیین کننده شهر کرمان در بازاریابی، بسته‌بندی، حمل و نقل و توزیع دو گروه از محصولات استان (پسته و محصولات باغی) در سطح ملی و

حتی بین‌المللی آن نیز عمدتاً به طور مستقیم از استان و به ویژه شهر کرمان صورت می‌پذیرد. در این زمینه پسته به عنوان محصولی با ویژگی خاص چه از حیث بازارهای داخلی و چه از حیث بازارهای خارجی به ویژه به لحاظ ارزی آن نقش ویژه‌ای در اقتصاد این شهر دارد. وقتی مشاغل به طرف خدماتی شدن گرایش دارد سهم زنان هم در ارتباط با فضاهای بیرونی شهر جز خانه بیشتر می‌شود. و مسیر خانه تا فضاهای شهری در شکل‌گیری هویت آنان نقش زیادی را ایفاء می‌کنند.

#### ۴-۴ جدایی فضاهای مسکونی از عمومی

توزیع فعالیت‌ها و مراکز قدرت، جدایی میان فضاهای مسکونی و اقتصادی، صورت‌های سکونت و مسکونی کردن، نمایشی از جامعه، هنجارها، ارزش‌ها و عادت‌های هستند. همه‌ی آن‌هایی که در تولید فضای شهری مداخله دارند، پیوسته از خود می‌پرسند این فضا چگونه مایه‌ی تحکیم یا تخریب گروه‌های اجتماعی می‌شود که در آن سکونت دارند یا سکونت خواهند داشت. موریس هالبواکس، یکی از پیشگامان جامعه‌شناسی شهری خاطر نشان می‌کند که جامعه در جهان مادی جای دارد و تفکر گروه اجتماعی در بازنمایی‌های شرایط فضایی-اش، یک اصل نظم و پایداری را می‌بیند (فیالکوف، ۱۳۸۸: ۳۳). میان انسجام گروه‌های اجتماعی و فضای تولید شده‌ی جامعه، رابطه‌ی دو جانبه‌ای برقرار است. به نظر موریس هالبواکس، سازمان فضایی روی جامعه از گذر درکی که جامعه از آن دارد، تاثیر می‌گذارد، اما نه به موجب یک ضرورت فیزیکی مثل تاثیری که یک جسم روی جسم دیگر دارد، بلکه از طریق شناختی که ما از آن داریم... این‌جا نوعی تفکر یا ادراک جمعی وجود دارد که می‌توان آن را واقعیت بی‌واسطه‌ی وجدان جمعی نامید. او تکیه‌گاه هویت‌های جمعی را حافظه‌ی جمعی و فضا می‌داند. هالبواکس در کتاب «قالب‌های اجتماعی حافظه» سرگذشت یک دختر اسکیمو را روایت می‌کند که در قرن هیجدهم رها شده بود و در فرانسه او را یافته بودند. دخترک که از محیط زندگی‌اش کنده شده بود، نمی‌توانست گذشته‌اش را به یاد بیاورد مگر وقتی که اشیایی که گواهی بر زندگی گذشته‌اش بوده‌اند به او نشان داده می‌شد. ما گذشته‌مان را با کمک آن چه محیط ما را تشکیل می‌دهد به یاد می‌آوریم. حافظه‌ی فردی به



یک اجتماع عاطفی بستگی دارد. فراموشی بیش از آن که نتیجه‌ی پدیده‌ی فرسودگی فرد باشد، نتیجه‌ی بریدگی او از گروهی است که به آن تعلق داشته است. هالبوکس همان نوع استدلال را در خصوص حافظه‌ی جمعی به کار می‌برد، جریان پیوسته‌ی تفکر که از گذشته تنها آن چه را هنوز زنده است و قابلیت زیستن دارد، حفظ می‌کند. این قالب، قالب حافظه‌ی جمعی است که متفاوت حافظه‌ی تاریخی دانشمندان است (همان ۹-۳۸).

شهر ترکیبی از فضاهای خصوصی و عمومی است. زنان به خاطر وارد شدن جوامع به شکلی از ارتباطات جهانی از در حال وارد شدن از فضاهای درونی به فضاهای عمومی شهرها هستند. به بیان ساده در جامعه سنتی بخشی از استفاده کنندگان فضا (زنان) به صورت محدود و تعریف شده در فضاهای عمومی حضور می‌یافتند، اما با تبدیل جامعه سنتی به مدرن حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی پررنگ شده اما فضاهای عمومی متناسب با این افزایش حضور طراحی نشده‌اند زنان هنگام بهره‌برداری از امکان و فضا‌های عمومی محدودیت‌هایی را تجربه می‌کنند. ما گذشته‌مان را با محیطی که در آن هستیم به یاد می‌آوریم اما زنان با قرار گرفتن در فضاهای عمومی اگر بخواهند برای زندگی کردن با آن‌ها انطباق پیدا کنند باید گذشته‌ی خود را نادیده بگیرند. فضاهای عمومی کاملاً در تضاد با مکان خصوصی همچون خانه قرار دارند. انسجام گروه‌های اجتماعی و فضای تولید شده‌ی جامعه ارتباطی دو جانبه دارد. هنگامی نیمی از گروه نتوانند با فضای تولید شده جامعه ارتباط برقرار کنند چگونه یک جامعه می‌تواند انسجام گروهی خود را حفظ کند؟ فضاهای عمومی شهر به خاطر ورود زنان به آن‌ها نباید به شدت در تضاد فضای خصوصی خانه باشند. زنان در شهر کرمان که در محلات دور از مرکز شهر زندگی می‌کنند برای رفت و آمد به محل کار مطمئناً دچار مشکلات امنیتی می‌شود که بر خلاف هویت ساختاریافته-شان از خلال دین است.

## شهرک باهنر و محله مشتاقیه

محله مشتاقیه در بافت قدیمی مرکز شهر قرار دارد که در آن خانه‌ها ویلایی هستند؛ اگر چه اکثر خانه‌ها در این محله هم دیگر دارای معماری سنتی نیستند. آثار تاریخی از جمله تکیه مشتاقیه (منبرد)، تکیه امام جعفر صادق در کوچه افتخار، مسجد جامع مظفری، مدرسه خاندان قلی بیگ، کتابخانه هرندی و ... در این محله قرار دارد. علاوه بر این مکان‌های تفریحی، بازار و بخش اداری هم در دسترس این محله است. اما بر خلاف آن شهرک باهنر یک شهرک با ساختمان‌های چهارطبقه است که در ابتدا فقط محلی برای فضاهای مسکونی در نظر گرفته شده است و در حال حاضر مردم با توجه به نیازهایشان در پی ساخت مکان‌های تفریحی و مذهبی در این بخش هستند و همچنین ساکنین باید در حال رفت و آمد به مرکز شهر و بخش‌های توسعه یافته باشند.

مردم ساکن محله مشتاقیه متوجه فرسوده شدن معماری سنتی و مکان‌های گذشته هستند و این تصور در آن‌ها ایجاد می‌شود شهرنشینی یعنی این که با فرهنگ و ساختمان‌های قدیمی خداحافظی کرد در حالی مردم شهرک باهنر در پی گرفتن حق و حقوق خود برای بنای مکان‌های تفریحی و اجتماعی هستند. بنابراین هویت اجتماعی و همسایگی که در محله مشتاقیه که در قدیم بود در حال دگرگونی است همان طور که فضاها و ساختمان‌های بومیش در حال فرسایش هستند اما در شهرک جدید باهنر ساکنین برای رسیدن به حق و حقوق‌شان در حال بازسازی شیوه‌های جدید ارتباطی هستند که به شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی جدیدی سوق پیدا می‌کند. مهم‌ترین فضاهایی که در محله مشتاقیه وجود دارد مربوط به فضاهای قدسی است؛ چیزی که در بافت جدید شهر کرمان شاید خبری از آن نباشد. برای همین در این جا به فضاهای قدسی و ناقدهی اشاره می‌کنیم. معنا نشانی از یک ارتباط سازمان یافته دارد که بی ارتباط به گذشته ی انسان نیست. انسان در طول یک زمان طولانی است که توانسته به ارتباط خود با انسان‌های دیگر یا به ارتباط خود با اشیاء و همچنین به ارتباط خود

با مفاهیم ناشناخته‌ی ذهنش نوعی سازمان یافتگی بدهد. گذشته‌ی انسان بیشتر با مفاهیم قدسی و ناقدهی پیوند خورده است چون انسان در گذشته بیشتر روابط خود را از خلال دین ساختارمند می‌کرد. شهرهای ایران که امروزه در حال توسعه پیدا کردن هستند هنوز با مکان‌های مذهبی و تاریخی خود هستند که معنا را برای افراد فراهم میکنند. انسان‌ها نمی‌توانند با فراموش کردن گذشته‌ی خود باز هم دارای نشانه‌های معنادار باشند. انسان با تقسیم عمومی جهان به پدیده‌های قدسی و ناقدهی که دورکیم و الیاده به خوبی آن را تشریح کرده اند توانسته اند به معناداری نشانه‌ها در زندگی شان برسند. شهر هم به مجموعه‌ای از فضاها با درجه‌های متفاوتی از تقدس یا عدم تقدس تقسیم می‌شود. مثلا کلیسا، مسجد از مجموعه فضاهایی اند که همیشه مقدس هستند. اما این فضاهای قدسی بدون ارتباط با نوع رابطه‌ای که انسان‌ها چه با خود و چه با اشیاء می‌سازند نیستند. در گذشته مثلا کلیسا با در مرکز قرار داشتن، همه نوع رابطه‌های انسان را ساختارمند می‌کرد. بنابراین این فضای مقدس بود که معنا را در ذهن انسان‌ها هنگام ارتباط برقرار کردن چه با خودشان و چه با اشیاء ساختارمند می‌کرد. اما بعد از رنسانس کم کم موقعیت استقلال بازار فراهم شد. برای همین دیگر کلیسا به عنوان یک فضای مرکزی شهر نبود. با در مرکز نبودن کلیسا در شهر، معنای قدسی و ناقدهی هم تغییر کرد. ارزش یابی و نشانه گذاری قدسی در شهر طبعا دارای مکانیسم‌های تضمین کننده و تداوم بخشی است که سبب بازتولید و یا برعکس حذف و زوال بارهای معنایی در طول زمان می‌شوند. توتم‌ها (تعلق‌های معنایی / نمادین) متبلور می‌شوند که در شهر به صورت مناسب کمابیش آشکار و شناخته شده‌ای (جز برای بیگانگان و تازه واردها) در می‌آیند و رفتارهای جمعی را کنترل می‌کنند(فکوهی)

## فصل پنجم

### یافته‌های تحقیق

## مقدمه

بررسی کالبدی فضا بدون در نظر گرفتن محتوای اجتماعی و بازنمایی هایی که شهرنشینانش از آن دارند میسر نخواهد بود. شهر در واقع یک صورت فیزیکی است که با کنش جمعی معطوف به پدیده های بازنمایی ساخته می شود. مجاورت مکانی گروههای اجتماعی این لزوم را ایجاد کرده که به مطالعه ی روابط میان فضاهای فیزیکی و گروههای اجتماعی پرداخته شود. نهاد های اجتماعی در یک محله و یا در معنایی وسیعتر در یک شهر یک ضرورت انکار ناپذیر به حساب می آیند که نتایج فرهنگی را نیز به دنبال خود خواهند داشت. در ادبیات علوم انسانی اغلب مفهوم شهر با مفهوم تمدن یکی گرفته می- شود و بنابراین، شهر را نوعی خاص از سازمان یافتگی زندگی اجتماعی در انطباق با فضا تلقی می- کنند(فکوهی، ۱۳۸۶: ۲۸). با رویکردهای سیاسی، اقتصادی، معناشناختی و... می توان به یک شهر و فضاهای آن نگاه کرد. هر یک از این رویکردها، شهر را در یکی از ابعاد عمده و اساسی آن برجسته کرده و از آن بعد به شناخت و تحلیل آن می پردازد. موضوع این پژوهش زنان است. در این راستا سعی می-

شود فضاها و رویکردهای شهری از خلال ارتباط جنسیت با شهر مورد بررسی قرار بگیرد. زنان امروزه به خاطر وارد شدن جوامع به شکلی از ارتباطات جهانی در حال وارد شدن به فضاهای شهری غیر از خانه هستند؛ این امر باعث می شود زنان به راحتی نتوانند هویت خود را در جهت انطباق با فضاهای شهری شکل دهند. بنابراین اگر خواسته باشیم از خلال چالش های هویتی زنان در ارتباط با فضاهای شهری، یک شهر را مورد بررسی قرار دهیم دیگر نمی توانیم به رویکردهای شهری انتقاد نداشته باشیم. در این فصل سعی می شود شهر مورد مطالعه در جهت هدف تحقیق مورد بررسی قرار بگیرد.

## ۱-۵-جامعه آماری

زنانی که برای بررسی انتخاب شدند از میان زنان ۱۵ تا ۴۵ ساله ای است که بومی شهر کرمان بوده اند. سعی بر این بوده است تا بر اساس تحصیلات دانشگاهی یا دارا نبودن آن، شاغل بودن یا نبودن، مجرد یا متأهل بودن و با توجه به قرار گرفتن در مکان و فضاهای متفاوت شهری نقش دین را در شکل گیری هویت-شان بررسی کنیم. از آن جا که نگارنده خود بومی این شهر است و تقریباً با بیشتر فضاها و مکان-های شهر آشنایی نزدیک دارد و توانسته با زندگی زنان زیادی مشاهده همراه با مشارکت داشته باشد اما برای این که بتواند از سوگیری های شناختی دور شود از مصاحبه هم استفاده کرده است. محقق که شهر خود را مطالعه می کردی خود قرار می دهد سو ممکن است دچار این سوء تفاهم شود که شهر خود را به خوبی می شناسد اما این محقق باید سعی کند هم رفتارها و نگرش های مردم شبیه خود برایش بدیهی به نظر نرسند هم این که تلاش خود را بر این مبنا قرار دهد که رفتارها و نگرش هم شهری های خود را از بیرون مشاهده کند. این جمله ی من به این معنا نیست که بین سوژه و ابژه باید فاصله باشد. محقق هنگامی همزمان با رفتارها و نگرش های مردم جوامع دیگر از خلال ارتباطات جهانی آشنا می شود و سعی می کند فاصله ی این رفتارها و نگرش ها را با رفتارها و نگرش های هم شهری های خود درک کند به یک معنی می توان گفت هم فاصله ی ابژه و سوژه را کاهش می دهد هم رفتار مردم

بومی شهر خود را از بیرون مشاهده می‌کند. نگارنده برای این که بتواند از رفتارها و نگرش‌های همشهری‌های خود آشناندایی کند سعی کرده است از خلال تحقیقات و رویکردهای ساختاریافته برای خود یک مشاهده نامه بر اساس فضاها و مکان‌های متفاوت به شرح زیر مشخص کند:

مشاهده‌نامه مربوط به فضاهای مسکونی با معماری قدیم و جدید

۱- چگونگی معماری خانه‌ها و رضایت و نوع استفاده زنان از سبک معماری.

۲- لوازم اتاق پذیرایی: نوع مبلمان، نوع فرش، وسایل تزئینی، نوع تابلوها و لوسترها

۳- چگونه قرار گرفتن زنان در فضاهای خانه: جلوی آشپزخانه باز پرده آویزان کرده‌اند. فضاهایی در خانه معین کرده‌اند که مثلا برای مهمانی‌ها، دو جنس را از هم جدا کنند. نوع پوششی که برای خود هنگامی تنها یا مهمان دارند استفاده می‌کنند.

۴- در خانه از چه زبانی و از چه حرکات کالبدی هنگام انجام کارهای خانه یا در برابر رفتارهای دیگران استفاده می‌کنند.

-مشاهده نامه برای فضاها و مکان‌های عمومی در بافت قدیم و جدید شهر

۱- چه زمان‌هایی بیشتر در فضاها و مکان‌های عمومی زنان حضور دارند.

۲- تنها یا با خانواده بیشتر در این فضاها وارد می‌شوند.

۳- نوع پوشش و آرایش آن‌ها چه فرقی می‌کند بر اساس این که: تنها باشند یا با خانواده یا با کس دیگری، چه وقتی از روز یا شب در این فضاها قرار بگیرند.

۴- چگونه فضای کالبدی خود را در برابر هم‌جنس یا غیر هم‌جنس هنگام انجام رفتارهای فیزیکی منسجم می‌کنند.

زنان یا خانه‌دار یا دارای کار در فضاهای بیرونی شهر هستند که نوع برخورد این دو گروه با فضاهای بیرونی شهر متفاوت است.

## ۲-۵ شهر فقط روزها به زن‌ها تعلق دارد

وقتی هویت ساختاریافته زنان، آن‌ها را متعلق به فضاهای مسکونی می‌داند بنابراین ساعت مشخصی را برای زنان که وارد فضاهای بیرونی شهری شوند در نظر می‌گیرد. اگر زنی حتی در ساعت‌های اولیه فاصله مرکز شهر تا شهرک‌های اطراف را بخواهد قدم بزند و اگر مزاحمتی برای او ایجاد شد خودش مقصر است چون از حق خود تجاوز کرده است. حالا که به خاطر تغییرات اقتصادی زنان هم وارد بخش خدماتی شده‌اند و می‌توانند کار کنند باید به مسیری که از خانه تا محل کار در رفت و آمد هستند توجه کنند. زنانی که در شهرکی مثل باهنر زندگی می‌کنند برای رفتن به مرکز شهر برای کار باید ماشین شخصی داشته باشند و گرنه دچار مشکل می‌شوند. هنگامی این تفکر وجود دارد که زن بعد از این ساعت نباید در فضاهای بیرونی شهر باشد ممکن است زن نتیجه بگیرد که اصلاً نباید در فضاهای بیرونی شهر قرار بگیرد چون متعلق به آن‌ها نیست و باید در خانه بماند چون امنیتش حفظ می‌شود. این طرز تفکر در زنان شهرک‌های اطراف تا بافت قدیمی مرکز شهر بیشتر است. زنانی که این تفکر را دارند که فضاهای بیرونی شهر آن‌قدر امن نیستند و در خانه‌های آپارتمانی زندگی می‌کنند در پی تزیینات مدرن تا بومی هستند. زنان آپارتمان‌نشین از آن‌جایی که با همسایگان خود زیاد در ارتباط نیستند بیشتر تصور می‌کنند شهرنشینی به این معنا است که هر فردی باید گلیم خود را از آب بکشد در حالی زنانی که در خانه‌های ویلایی بافت قدیم مرکز شهر زندگی می‌کنند خود را شبیه همه زنان می‌دانند و با هم‌دلی سعی می‌کنند با مشکلات ناامنی فضاهای شهری را رفع کنند. در کل می‌توان گفت زنان خانه-



دار و غیرخانه‌دار در شهرک باهنر هویت خود را بیشتر در تطبق با فضاهای بیرونی شهر می‌دانند. و بیشتر به فضاهای تفریحی و خرید توجه می‌کنند. آن‌ها بیشتر نمونه‌ایی از یک شهر ایده‌آل در ذهن دارند که دوست دارند این شهرک روزی آن گونه شکل بگیرد و از نبود مکان‌های تفریحی در شهرک شکایت دارند. اکثر زنان این شهرک جوان هستند برای همین بیشتر تحصیل کرده هستند.

اما زنانی که در بافت قدیم مرکز شهر زندگی می‌کنند. اگر زنان بیسواد و میان‌سال و مسن باشند و در خانه‌های ویلایی زندگی می‌کنند، شکل‌گیری هویت خود را در تضاد با فضاهای بیرونی شهر می‌دانند و احساس نارضایتی از خانه‌های کوچک و آپارتمانی می‌کنند. این زنان اگر کار کنند به گونه‌ایی کار کردن خود را از روی اجبار می‌دانند مثلاً سرپرست خانواده هستند. اما زنان جوانی که در خانه‌های ویلایی بافت قدیم مرکز شهر زندگی می‌کنند و تحصیل کرده هستند سعی در تغییر معماری بومی خانه‌ها دارند. (خانه‌های با معماری اپن و تزیینات مدرن). زنان در صورتی احساس بی‌هویتی در فضاهای شهری نمی‌کنند که هویت ساختاریافته‌شان را پذیرفته باشند و وارد فضاهای بیرونی شهر حتی برای خرید نشوند و گرنه به جرات می‌توان گفت اکثر زن‌ها خود را با فضاهای بیرونی شهر جوری غریبه می‌دانند. باید گفت تغییر در فضاهای شهری کرمان و ساخت ساختمان‌های متفاوت مسکونی در شکل‌گیری هویت زنان به شدت تاثیرگذار بوده است.

# نتیجه‌گیری

جامعه‌ی ایران همانند سایر جوامع جهان سوم با وارد شدن به شکلی از ارتباطات جهانی، روندهای زیاد و بسیار مبهمی را که بر روی هویت تاثیرگذارند از خلال ورود مفاهیم جدید و فرایند شهرسازی ایجاد کرده است. شاید بتوان در یک جامعه در مخالفت با ورود مفاهیم مدرن تبلیغ کرد اما هیچ کدام از جوامع به خاطر نظام «اقتصادبازار» قدرت جلوگیری از فرایند شهرسازی را ندارند. هنگامی جامعه‌ای با وارد شدن به شکلی از ارتباطات جهانی خواه‌ناخواه فرایند شهرسازی خود را شروع کرد مطمئناً هم ذهن افراد را درگیر مفاهیم مدرن خواهد کرد و هم موقعیتی برای ورود زنان به فضاها و مکان‌های بیرونی شهر فراهم می‌کند. بنابراین اگر جامعه‌ای از یک سو با آغاز فرایند شهرسازی زنان را هم خواه‌ناخواه وارد فضاها و مکان‌های شهری کند و از سوی دیگر بخواهد بدون درک ارتباط بین مفاهیم جدید با نگرش-های زندگی گذشته‌ی فرهنگی-اجتماعی‌اش به فرایند معناسازی و پروسه‌ی هویت سازی رفتارهای افراد در ارتباط با فضاهای شهرهای برسد باعث می‌شود افراد بیشتر آشنایی خود را با مدرنیته از خلال

استفاده از وسایل مدرن قرار دهند. یک جامعه هنگامی از تکنولوژی بدون درک ارتباط مفاهیم مدرن با نگرش‌های گذشته استفاده می‌کند باعث می‌شود افراد شهر را به صورت یک ابژه تا یک سیستم اجتماعی-فرهنگی که می‌توان در ساخت آن دخالت کرد درک کنند. در نتیجه این جامعه فرایند توسعه‌ی شهرهایش را از خلال استفاده از تکنولوژی شرح می‌دهد و این در حالی است برای داشتن توسعه‌ی پایدار شهرها باید یک جامعه مشارکت همه‌ی گروه‌های سنی و جنسی را داشته باشد. هنگامی یک جامعه می‌تواند مشارکت همه‌ی گروه‌ها را داشته باشد که در مرحله‌ی اول شهر به عنوان یک سیستم اجتماعی-فرهنگی نه یک ابژه‌ی معماری درک شود. درک شهر به عنوان یک سیستم اجتماعی-فرهنگی به شدت وابسته بازیابی هویت افراد دارد. وقتی به معماری و فضاهای قدیمی شهر کرمان می‌کنیم در می‌یابیم در گذشته زنان با توجه ایده‌آلی داشتند قدرت قرار گرفتن در فضاهای شهری را داشتند. اما امروز ادعا می‌شود راه برای وارد شدن به فضاهای بیرونی شهر گشوده شده است در حالی شکل‌گیری و توسعه شهرها در تضاد با قرار گرفتن زنان در فضاهای بیرونی شهر هستند.

## منابع:

- ۱- توسلی، محمود (۱۳۷۴). نگرش بر دیدگاه ها، تئوری ها و سیاست های توسعه ی اقتصادی، تهران، وزارت امور خارجه، مؤسسه ی چاپ و انتشارات
- ۲- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۵). پی یر بورديو، ليلا جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران، نی
- ۳- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی، تورج یار احمدی، تهران، شیراز
- ۴- فکوهی، ناصر (۱۳۸۳). انسانشناسی شهری، تهران، نی
- ۵- فیالکوف، یانکل (۱۳۸۳). جامعه شناسی شهر، عبدالحسین نیک گوهر، تهران، آگه
- ۶- کاظمی، عباس (۱۳۸۸). پرسه زنی و زندگی روزمره ی ایرانی، تهران، آشیان
- ۷- کاستلز، مانوئل؛ انیس، مارتین (۱۳۸۴). گفتگوهایی با مانوئل کاستلز، حسن چاوشیان، لیلا جوافشانی، تهران، نی
- ۸- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶). جامعه شناسی، منوچهر صبوری، تهران، نی
- ۹- لینچ، کوین ( ۱۳۸۱). تئوری شکل شهر، ترجمه ی سید حسین بحرینی، تهران، دانشگاه تهران
- ۱۰- مدنی پور، علی (۱۳۸۷). فضاهای خصوصی و عمومی شهر، فرشاد نوریان، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری

- ۱۱- مدنی پور، علی (۱۳۷۹). طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیندی اجتماعی و مکانی، ترجمه ی فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و رینامه ریزی شهری
- ۱۲- معماریان، غلام حسین (۱۳۸۶). سیری در مبانی نظری معماری، تهران، سروش دانش
- ۱۳- هال، ادوارد تونیچل (۱۳۷۶). منوچهر طبیبیان، تهران، دانشگاه تهران
- ۱۴- هودشتیان، عطا (۱۳۸۱) مدرنیته، جهانی شدن و ایران، تهران: چاپخش
- ۱۵- طرح جامعه شهری کرمان